



اولین همایش ملی اقتصاد

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، اسفند ۱۳۸۸

## اثرگذاری یارانه ها بر سطح عمومی قیمت ها

ساعد شیرانی

عضوهیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

shirani@iaukhsh.ac.ir

### چکیده :

این نوشتار با تاکید بر پولی بودن تورم در کشور ما تلاش بر آن دارد تا تأثیر افزایش حجم پول و نقدینگی را بر نرخ تورم مورد بررسی قرار دهد و هدف اصلی خود را بر مطالعه اثرگذاری پرداخت یارانه ها بر میزان کسری بودجه دولت و سطح عمومی قیمت ها قرار داده است. در واقع این موضوع که پرداخت یارانه ها موجبات افزایش کسری بودجه دولت را فراهم می آورد و این کسری بواسطه شیوه تامین مالی آن نهایتاً به افزایش سطح عمومی قیمت ها و تورم می انجامد مورد توجه است. در واقع به واسطه آن که کسری بودجه دولت در دوره مورد بررسی عمدتاً از طریق استقراض از بانک مرکزی تامین مالی شده است و این منجر به افزایش خالص بدهی دولت به بانک مرکزی و انبساط پایه پولی و نهایتاً افزایش نقدینگی و سطح عمومی قیمت ها گردیده است.

به منظور بررسی و آزمون میزان تأثیرپذیری سطح عمومی قیمت ها و نرخ تورم از کسری بودجه ناشی از پرداخت یارانه ها و پرداخت های انتقالی دولت از یک مدل تک معادله ای استفاده شده و در آن اثرگذاری متغیرهای توضیحی بر نرخ تورم مورد توجه قرار گرفته است. دوره مطالعه سالهای ۱۳۸۰-۱۳۵۲ است و نتایج حاصل از برآورد مدل فرضیه ارتباط مثبت بین کسری بودجه ناشی از پرداخت یارانه ها و تورم را مورد تایید قرار می دهد. به نظر می رسد تغییر در شیوه پرداخت یارانه ها و هدفمندسازی آنها می تواند اثرات مثبتی بر وضعیت مالی دولت و نهایتاً بر سطح عمومی قیمت ها داشته باشد.

**واژه های کلیدی:** سری زمانی ، کسری بودجه ، تورم ، نقدینگی ، سطح عمومی قیمت ها ، یارانه

### ۱- مقدمه:

ارتباط بین کسری بودجه دولت، رشد نقدینگی و تورم از جمله موضوعاتی است که در سطح کلان مباحث اقتصادی همواره مطرح بوده است و سیاست کسری بودجه در بسیاری کشورها به عنوان یک ابزار سیاست مالی مورد استفاده قرار می گیرد. اگر چه نمی توان رابطه یکسانی بین کسری بودجه دولت و نرخ تورم در همه کشورها تعریف کرد، اما نتایج بررسی های انجام شده نشان می دهد که کسری بودجه دولت از جمله عوامل ایجاد کننده تورم است.

البته آثار اقتصادی کسر بودجه دولت به نحوه بوجود آمدن آن، چگونگی تامین مالی آن و شرایط کلان اقتصادی بستگی دارد. اگر کسری بودجه دولت ناشی از اجرای یک سیاست مالی فعال از طریق افزایش مخارج سرمایه گذاری و با هدف دستیابی به اشتغال کامل باشد به یک سیاست انبساطی تبدیل شده و آثار اقتصادی آن هدایت اقتصاد به سمت هدف

مورد نظر در بلند مدت خواهد بود. در واقع این نوع کسری بودجه دولت به عنوان یک ابزار سیاست‌گذاری کارآمد تلقی می‌گردد.

اما اگر کسری بودجه دولت ناشی از افزایش مخارج جاری باشد و از این طریق به افزایش تقاضای کل بیانجامد بدون آن که به سطح محصول اضافه شود منجر به تورم خواهد شد.

برخی بر این اعتقاد هستند که مقامات پولی قادرند نرخ تورم را بویژه در بلند مدت از طریق تنظیم عرضه پول کنترل کنند. به بیان دیگر کسری بودجه زمانی منجر به تورم خواهد شد که کسری بودجه دولت از طریق تغییر در عرضه پول تامین مالی شود و این روش تامین مالی کسری بودجه موجب جایگزین شدن مخارج دولت به جای مخارج بخش خصوصی می‌گردد و به گونه ای جایگزینی ۱ جبری اتفاق می‌افتد. در چند دهه گذشته در کشور ما دولت همواره با مسئله ای به نام کسری بودجه مواجه بوده است. این کسری بودجه مستمر و مداوم ناشی از سیاست های نامناسبی بوده که با هدف رشد اقتصادی در یک راستا عمل نکرده اند و موجب شده تا در این سالها اقتصاد ما فشارهای تورمی را توأم با رشد کسری بودجه دولت تجربه کند. یکی از اقلام هزینه های جاری دولت یارانه ها می باشد که طبیعتاً وجود و افزایش مستمر آنها بر مشکل کسری بودجه دولت افزوده است. هر چند در یک سیستم اقتصادی نمی توان یک رابطه مستقیم و کامل بین تورم و کسری بودجه دولت تعریف کرد، اما کسری بودجه دولت ناشی از پرداخت یارانه ها و شیوه تامین مالی کسری بودجه مزبور می تواند موضوع یارانه ها، کسری بودجه و تورم را به یکدیگر پیوند دهد.

در اینجا هدف آن است تا اثرگذاری پرداخت یارانه کالاهای اساسی توسط دولت بر کسری بودجه و دنبال آن بر سطح عمومی قیمت ها را مورد بررسی قرار دهد. نگاه به موضوع از این زاویه است که پرداخت یارانه در واقع به نوعی کسری بودجه دولت را افزایش می دهد و این کسری بودجه منجر به افزایش سطح عمومی قیمت ها و نرخ تورم می گردد. به عبارت دیگر پرداخت یارانه ها هنگامی که منجر به کسری بودجه شود، به افزایش سطح عمومی قیمت ها خواهد انجامید و عملاً بخش قابل توجهی از قدرت خرید اضافه شده بواسطه پرداخت یارانه ها خنثی خواهد شد و موجب می گردد تا سیاست پرداخت یارانه ها به گونه ای که در حال حاضر اعمال می شود کارایی لازم را نداشته باشد.

در اینجا بعد از مقدمه در رابطه با ادبیات تحقیق و مباحث نظری آن و مفاهیم اساسی مرتبط با آن بحث خواهد شد و به پیشینه مطالعات انجام شده در این زمینه اشاره می گردد. سپس به تحلیل و بررسی متغیرهای کلان در اقتصاد ایران در دوره زمانی مورد بررسی خواهیم پرداخت و به دنبال آن از طریق ارائه مدلی فرضیه تحقیق مورد آزمون قرار می گیرد و در پایان نتیجه گیری و پیشنهاداتی در رابطه با نتایج بدست آمده ارائه خواهد شد.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در کلی ترین بیان تورم عبارت است از افزایش مداوم سطح عمومی قیمت ها. بنابراین ویژگی اصلی تورم همانا تداوم و عمومیت افزایش قیمت ها است. لذا افزایش دفعه ای قیمت ها و همچنین افزایش قیمت یک یا چند کالای خاص تورم نیست و برای اندازه گیری تورم نیز نوسان های قیمت کالاها و خدمات در یک سال خاص را نسبت به سال پایه می سنجد و به آن نرخ تورم می گویند. در این تحقیق نرخ تورم با استفاده از شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی محاسبه می گردد. این شاخص به عنوان یک نماگر مهم برای سنجش تورم و قدرت خرید داخلی پول کشور یکی از ابزارهای مهم برای برنامه ریزان اقتصادی کشور جهت تعیین وضعیت قیمت ها در زمان های مختلف می باشد و راهنمایی برای اعمال سیاست های مالی و پولی می باشد.

در چند دهه گذشته افزایش سطح عمومی قیمتها همراه با نرخ نسبتاً بالای رشد حجم پول و نقدینگی، تورم را به یکی از عمده ترین مشکلات اقتصادی کشور تبدیل کرده است. میانگین رشد شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی در چهار دهه گذشته بترتیب ۱/۶۳، ۹/۵۶، ۱۶/۳۹ و ۲۳ درصد بوده است.

تورم به عنوان یک پدیده نامطلوب اقتصادی هزینه های جدی بر جامعه تحمیل کرده و نرخ بالای آن نظام قیمتها را مختل ساخته و موجب تخصیص غیر بهینه منابع، افت بهره وری عوامل تولید، از بین رفتن انگیزه های پایه گذاری و ناکارآمدی بازارهای مختلف کالایی و مالی شده است.

در این سالها رشد قابل ملاحظه جمعیت و افزایش تقاضای کالاهای عمومی مرتباً بر حجم وظایف دولت افزوده و از سوی دیگر نوسانات قیمت نفت، ضعف سیستم مالیاتی و برخی مشکلات ساختاری درآمدهای دولت را با محدودیتهای جدی روبرو کرده است و همین امر موجب شده که دولت حتی در سالهای افزایش درآمدهای نفتی با کسری بودجه روبرو باشد. ساختار ناهمگون، تک محصولی و عدم تعادل‌های حاکم بر اقتصاد کشور همراه با سیاستهای پولی و مالی مقطعی و ناهماهنگ موج آن بوده است.

اما آنچه یارانه ها را به تورم ربط می دهد چگونگی تامین مالی کسر بودجه ناشی از آنهاست و توسل به استقراض از سیستم بانکی برای آن یعنی آسان ترین راه، موجب افزایش خالص بدهیهای بخش دولتی به سیستم بانکی و افزایش منابع پایه پولی و بسط آن و نهایتاً افزایش نقدینگی و تورم گردیده است. در واقع هدف این نوشتار بررسی تاثیر گذاری یارانه ها به سطح عمومی قیمت از طریق بررسی تاثیر آنها بر کسری بودجه دولت و نقش سیاستهای تامین کسری در ایجاد فشارهای تورمی است.

## ۲-۱- آثار و پیامدهای اقتصادی تورم

تأثیر تورم بر بسیاری از پدیده های اقتصادی و اجتماعی قابل بررسی و در خور توجه است از جمله: اثر آن بر توزیع درآمدها و تشدید نابرابریهای اجتماعی، اثر آن بر سرمایه گذاری، تولید و مصرف کالاها و خدمات و تصمیمات و واکنشهای غیرعقلایی ناشی از آن، اثر تورم بر تخصیص غیربهینه منابع، اثر تورم بر ایجاد ابهام در تصمیم گیریهای اقتصادی و ایجاد حالت بلاتکلیفی در فعالان اقتصادی، اثر آن بر افزایش ریسک سرمایه گذاریها و بالا بردن عدم اطمینان در نظام اقتصادی، اثر آن بر انحراف منابع و عوامل تولید به سمت فعالیتهای غیرضروری، اثر آن بر بودجه دولت و پیامدهای ناشی از کسری بودجه دولت و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن بر بسیاری پدیده های اقتصادی دیگر.

## ۲-۲- یارانه ها

با توجه به نقش یارانه ها در رابطه با موضوع تحقیق، ابتدا تعریفی از یارانه ارائه می شود و سپس به انواع آن و روش های مختلف پرداخت آن اشاره می گردد.

یارانه یکی از ابزارهای حمایتی است که به منظور مبارزه با عدم تعادل های اقتصادی بکار گرفته می شود و تعبیر و تفسیرهای مختلفی از آن وجود دارد. در واقع یارانه از انواع پرداخت های انتقالی جهت جبران یا پرداخت قسمتی از قیمت کالا یا خدمت است که با هدف افزایش قدرت خرید مصرف کننده و یا افزایش توان تولید کننده و جلوگیری انتقال آثار منفی به مصرف کننده از سوی دولت پرداخت می شود. بدین ترتیب یارانه کمکی است جهت پرداخت قسمتی از هزینه تمام شده یک کالا یا خدمت که معمولاً توسط دولت پرداخت می گردد. تعریف دیگری که برای یارانه وجود دارد این است که یارانه عبارت است از پرداخت مستقیم یا غیر مستقیم دولتی، امتیاز اقتصادی یا اعطای رجحان ویژه ای که به موسسات خصوصی، خانوارها و دیگر واحدها جهت دستیابی به اهداف مورد نظر دولت انجام پذیرد. (پژویان، ۱۳۷۳)

با توجه به اهداف دولت از پرداخت یارانه می توان آنرا به انواع یارانه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیربنایی و ... تقسیم بندی کرد. آن چه در اینجا مورد نظر است یارانه های اقتصادی است که بخشی از پرداخت های دولت است که با هدف کاهش مخارج تولید کنندگان یا مصرف کنندگان کالاها و خدمات خاص صورت می گیرد و در مقابل ما به ازایی دریافت نمی شود، با این هدف که دریافت کننده یارانه رفتار خود را تغییر دهد یا حداقل تعدیل کند و بدین ترتیب تولید یا مصرف کالاها و فعالیت های اقتصادی مورد نظر تشویق یا به طور غیر مستقیم جریمه شود. به عبارت دیگر یارانه نوعی از انواع پرداخت های انتقالی یا به تعبیری مالیات منفی است که با هدف حمایت از مصرف کنندگان یا تولید کنندگان

اعمال می گردد. در این سطور منظور از یارانه، یارانه‌ی کالاهای اساسی است که توسط دولت پرداخت می‌گردد و یارانه‌هایی که مستلزم پرداخت نیستند را شامل نمی‌شود.

روش‌های پرداخت یارانه را می‌توان به دو روش کلی مستقیم و غیر مستقیم تقسیم بندی نمود:

الف- روش مستقیم: یارانه ای است که بصورت نقدی و با هدف افزایش درآمد و قدرت خرید خانوارها و یا افزایش توان تولید و قدرت رقابت بنگاهها به آنان پرداخت می‌گردد. در این روش مقدار معینی پول به مصرف کننده یا تولید کننده خاص پرداخت می‌شود و وی می‌تواند از آن در مصرف کالا یا خدمتی که در نظر دارد استفاده کند. در این نوع یارانه‌ها انتقال قدرت خرید بسیار شفاف و قابل لمس است و رضایت خاطر بیشتری برای دریافت کننده یارانه نسبت به دیگر روش‌های پرداخت یارانه ایجاد می‌نماید. در تکمیل بحث یارانه مستقیم جا دارد تا به یارانه مستقیم ارزشی نیز اشاره شود که یارانه ای است که از طریق دادن کالا برگ با ارزش معین برای مصارف خاص و به افراد خاص پرداخت می‌گردد. مانند بن کتاب دانشجویی که البته هدف از پرداخت این نوع یارانه‌ها هدایت و سوق دادن مصرف به سمت ان کالا یا خدمت خاص نیز می‌باشد.

ب- روش غیر مستقیم: یارانه ای است که از طریق قیمت گذاری کالا و یا خدمت مورد نظر به میزانی کمتر از قیمت واقعی آن پرداخت می‌گردد. این نوع یارانه‌ها به هر واحد از کالا تعلق می‌گیرد و تمامی افراد جامعه از آن بهره مند می‌شوند. البته این نوع یارانه در مورد کالاهایی اعمال می‌شود که تولید و توزیع آنها توسط دولت یا تحت نظارت مستقیم دولت صورت می‌گیرد. در این روش پرداخت یارانه هر کس بیشتر مصرف کند از یارانه بیشتری بهره مند خواهد شد. بنابراین اقشار مرفه جامعه چون مصرف بالاتری دارند سهم بیشتری از یارانه‌هایی که با هدف کمک به اقشار محروم جامعه پرداخت می‌شود را به خود اختصاص می‌دهند.

همچنین می‌توان یارانه‌ها را بر حسب این که در کدام مرحله از تولید تا مصرف پرداخت می‌شود نیز طبقه بندی نمود که شامل یارانه‌های مصرفی، تولیدی و خدماتی می‌باشند:

یارانه‌ها را بر حسب این که در حسابهای ملی انعکاس دارند یا خیر نیز می‌توان به دو گروه آشکار و پنهان تقسیم بندی نمود. یارانه آشکار بخشی از هزینه‌های دولت است و در بودجه آورده می‌شود و بر کسری بودجه اثر مستقیم دارد همانند یارانه پرداختی برای گندم با هدف تثبیت قیمت آن.

اما یارانه‌ی پنهان در حسابهای ملی انعکاس نمی‌یابد و عملاً نوعی هزینه یا زیان کرد عملیاتی به حساب نمی‌آید و در واقع نوعی هزینه فرصت است. همانند تفاوت قیمت رسمی حامل‌های انرژی با قیمت واقعی آنها.

اگر چه این نوع یارانه‌ها در اقتصاد ما ابعاد گسترده‌ای دارد اما بدلیل محدودیتهای آماری تنها یارانه‌های آشکار مورد توجه قرار گرفته است.

## ۲-۳ - مطالعات انجام شده

در سال‌های گذشته غالب کشورهای در حال توسعه همانند کشور ما شاهد افزایش حجم قابل ملاحظه ای از کسری بودجه در سیستم اقتصادی خود بوده اند، مطالعات نشان می‌دهد که یکی از آسان ترین راه‌ها برای تامین کسری بودجه در این کشورها، استقرار از بانک مرکزی و سیستم بانکی بوده است. بنابراین با افزایش کسری بودجه دولت و اضافه شدن بدهی‌های دولت به بانک مرکزی و سیستم بانکی این کشورها با نرخ‌های تورمی فزاینده مواجه شده اند که اقتصاد آنان را با بحران جدی روبرو کرده است و همین امر موجب شده تا بسیاری از پژوهشگران اقتصادی پیرامون رابطه کسری بودجه، عرضه پول و تورم به تحقیق و مطالعه بپردازند.

- مطالعه ای توسط احمد جعفری صمیمی در سال ۱۳۷۱ با عنوان «بررسی رابطه تورم و کسری بودجه دولت در ایران» انجام گرفته است. در این مطالعه محقق شرایطی را که کسری بودجه دولت می‌تواند موجب ایجاد تورم شود را بررسی کرده و چنین نتیجه گیری می‌کند که تحت شرایط خاصی کسری بودجه دولت می‌تواند به تورم منجر شود:

۱- کسری بودجه ناشی از افزایش مخارج مصرفی دولت باشد.

۲- تامین مالی کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی و افزایش عرضه پول انجام شود. و در پایان به این جمع بندی می رسد که با افزایش تولید ناخالص داخلی واقعی نرخ تورم کاهش می یابد و نیز همراه با افزایش کسری بودجه دولت نیز نرخ تورم سیر صعودی به خود می گیرد.

- مطالعه دیگری توسط بیژن بید آباد در سال ۱۳۷۷ تحت عنوان «پیامدهای تامین مالی کسری بودجه از طریق انتشار پول جدید» انجام گرفته است. هدف از این مطالعه بررسی این موضوع بوده است که چگونه تورم ناشی از انتشار پول جدید بر ساختار مالی دولت اثر می گذارد و چنین نتیجه گیری می کند که به واسطه افزایش سطح عمومی قیمت ها، هزینه ها و مخارج واقعی دولت کاهش می یابد. به تعبیر دیگر قدرت خرید مخارج دولت کم می شود و عملاً هزینه های دولت به اندازه تورم حاصل از افزایش حجم پول ناشی از تامین کسری بودجه کاهش می یابد. از سوی دیگر این امر موجب افزایش درآمدهای مالیاتی دولت می گردد که خود در اثر افزایش هزینه ناخالص داخلی به واسطه افزایش نقدینگی ایجاد شده است.

لذا در کل از یک سو کاهش قدرت خرید هزینه های دولت و از سوی دیگر افزایش درآمد اسمی دولت را به همراه دارد که مقایسه آنها با یکدیگر اثر خالص تورم ناشی از انتشار پول جدید را بر هزینه های دولت نشان می دهد.

در نهایت این مطالعه چنین نتیجه گیری می کند که به طور متوسط به ازای هر یک صد ریال استقراض از بانک مرکزی به منظور تامین کسری بودجه عملاً کسری بودجه نود ریال افزایش می یابد و در نتیجه استقراض از بانک مرکزی روش نامناسبی برای تامین کسری بودجه دولت می باشد.

- مطالعه دیگری نیز توسط انوشیروان تقی پور در سال ۱۳۷۹ تحت عنوان «بررسی ارتباط بین کسری بودجه دولت، رشد پول و تورم در ایران به روش معادلات همزمان» انجام گرفته است. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط بین کسری بودجه دولت، رشد پول و تورم است که بدین منظور یک سیستم معادلات همزمان در طی یک دوره ۲۸ ساله برآورد شده است. نتایج حاصله حاکی از آن است که با وجود ارتباط نظری مبهمی که بین کسری بودجه دولت، رشد پول و تورم برقرار است، در کشور ما به دلیل این که بخش اعظم کسری بودجه دولت از طریق استقراض از سیستم بانکی تامین مالی شده است فرضیه ارتباط مثبت بین کسری بودجه دولت، رشد پول و تورم مورد قبول قرار گرفته است.

نتیجه این مطالعه نشان می دهد که ایجاد کسری در بودجه دولت به صورت حلقه ای، نقدینگی و تورم را تحت تأثیر قرار داده است و چنانچه هدف دولت کاهش نرخ تورم باشد لازم است که دولت در صورت داشتن کسری بودجه آن را از راه های دیگری غیر از استقراض از نظام بانکی تامین نماید تا این حلقه ارتباطی کسری بودجه، نقدینگی و تورم از بین برود.

- یکی از کامل ترین تحقیقات انجام شده در زمینه ارتباط کسری بودجه با حجم پول و تورم مقاله ای تحت عنوان «کسری بودجه دولت و جریان تورمی در کشورهای در حال توسعه» است که توسط بیژن آق اولی ۲ و محسن خان ۳ در سال ۱۹۷۸ منتشر گردیده است که از طریق ارائه یک مدل کاربردی تلاش کرده اند تا ارتباط صریح بین سیاست کسری بودجه دولت و تورم را نشان دهند.

این مطالعه در رابطه با چهار رکشور برزیل، کلمبیا، دمیونیکن و تایلند انجام شده است که همگی جزء کشورهای بی بودند که بیشترین نرخ تورم را تجربه کرده اند.

آنها مدل خود را در چارچوب یک سیستم معادلات همزمان جهت تعیین ارتباط بین سطح عمومی قیمت ها، مخارج دولت و عرضه پول ارائه کرده و با استفاده از روش حداقل مربعات ۴ سه مرحله ای مدل را برآورد نموده اند. به طور کلی نتایجی که از این بررسی حاصل شده است وجود ارتباط بین کسری بودجه دولت را با حجم پول و تورم در این کشورها مورد تایید قرار می دهد.

<sup>1</sup> - Bijan Aghevli

<sup>2</sup> - Mohsen Khan

<sup>3</sup> - Three Stage Least Squares (3SLS)

- در مطالعه دیگری منیر چادری<sup>۵</sup> و اماراک ۶ پارای در سال ۱۹۹۱ تحت عنوان «کسری بودجه و تورم، تجربه پرو» به بررسی نقش کسری بودجه بسیار زیاد دولت پرو در تورم شدید آن کشور پرداخته اند. آنان با استفاده از مدل کلان انتظارات عقلایی در طی یک دوره هشت ساله و با داده های فصلی اثرات کسری بودجه دولت بر روی نرخ های تورمی فزاینده در کشور پرو را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این بررسی نشان داد که کسری های عظیم بودجه در پرو در ایجاد تورم شدید در آن کشور موثر بوده اند.

- مطالعه دیگری نیز توسط منیر چادری و نوید احمد<sup>۷</sup> در سال ۱۹۹۵ تحت عنوان «عرضه پول، کسری بودجه و تورم در کشور پاکستان» انجام شده است. در این مطالعه با استفاده از یک مدل بسیط که بر اساس نظریه مقداری پول طراحی گردیده روابط بین کسری بودجه، عرضه پول و تورم بررسی شده است. در این مدل محققین با استفاده از داده های سالانه یک دوره ۷۲ ساله و با استفاده از یک سیستم معادلات همزمان و بهره گیری از روش حداقل مربعات<sup>۸</sup> معمولی به این نتیجه رسیده اند که تامین مالی کسری بودجه دولت از طریق منابع داخلی بویژه با استفاده از سیستم بانکی، در بلند مدت تورم زا بوده است و بدین ترتیب فرضیه وجود رابطه مثبت بین کسری بودجه دولت و تورم در طی دوره های تورمی در پاکستان را نشان داده اند.

- پیشینه یارانه ها در ایران

بطور کلی یارانه ها و پرداختهای حمایتی در کشور ما به سالهای دهه ۱۳۵۰ بر می گردد. رشد شتابان جمعیت، افزایش تقاضای ناشی از تزریق درآمدهای نفتی، اجرای برنامه اصلاحات اراضی و مهاجرت روستائیان به مناطق شهری و کاهش تولیدات بخش کشاورزی دولت را وا داشت تا به منظور حمایت از اقشار کم درآمد و کنترل قیمتتها اقدام به پرداخت یارانه نماید و این پدیده در سالهای بعد از آن همچنان ادامه داشته است.

بررسی نسبت یارانه ها به کل هزینه های دولت نیز حاکی از افزایش اهمیت نقش یارانه ها در هزینه های دولت بویژه هزینه های جاری دولت بوده است بطوری که این مهم از ۱/۴ درصد کل مخارج دولت در سال ۱۳۵۲ به بعد ۸/۹ درصد در سال ۱۳۷۷ و ۷/۷ درصد در سال ۸۰ رسیده است. (لازم به ذکر است که پس از سال ۱۳۸۰ اساساً تعریف یارانه و چگونگی شمول آن در قانون بودجه سنواتی دولت تغییر نموده و قابل مقایسه با سالهای قبل از آن نمی باشد.) جدول زیر پرداخت یارانه های مصرفی که عمده ترین پرداخت یارانه ای دولت می باشد را هم به قیمت جاری و هم به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹ در فاصله سالهای ۸۰-۱۳۵۲ نشان می دهد.

---

<sup>4</sup> - M. Chaudhary

<sup>6</sup> - A. Pari

<sup>7</sup> - N. Ahmad

<sup>8</sup> - Ordinary Least Squares (OLS)

یارانه های مصرفی به قیمت جاری و سرانه آن و یارانه های مصرفی به قیمت ثابت و سرانه آن در سالهای ۸۰-۱۳۵۲

سال	یارانه های مصرفی به قیمت جاری (میلیارد ریال)	سرانه یارانه مصرفی به قیمت جاری (ریال)	یارانه های مصرفی به قیمت ثابت (میلیارد ریال) ۱۳۶۹=۱۰۰	سرانه یارانه مصرفی به قیمت ثابت (ریال) ۱۳۶۹=۱۰۰
۱۳۵۲	۵/۴	۱۷۳	۷۸/۱	۲۵۱۱
۱۳۵۳	۵۵/۵	۱۷۳۷	۶۹۴/۵	۲۱۷۳۷
۱۳۵۴	۱۰۵/۷	۳۲۲۰	۱۲۰۲/۴	۳۶۶۳۶
۱۳۵۵	۷۵/۴	۲۲۳۷	۷۳۷/۲	۲۱۸۶۹
۱۳۵۶	۵۵/۸	۱۵۹۴	۴۳۶/۹	۱۲۴۷۳
۱۳۵۷	۳۷/۵	۱۰۳۱	۲۶۶/۷	۷۳۳۰
۱۳۵۸	۷۱/۷	۱۸۹۶	۴۵۸/۳	۱۲۱۲۲
۱۳۵۹	۲۲/۸	۵۷۹	۱۱۷/۸	۲۹۹۷
۱۳۶۰	۵۳/۷	۱۳۱۵	۲۲۵/۷	۵۵۲۸
۱۳۶۱	۶۷/۸	۱۵۹۸	۲۳۹/۲	۵۶۳۹
۱۳۶۲	۶۵/۵	۱۴۸۷	۲۰۱/۵	۴۵۷۲
۱۳۶۳	۸۰/۶	۱۷۶۱	۲۲۴/۶	۴۹۰۳
۱۳۶۴	۸۲/۱	۱۷۲۵	۲۱۴/۰	۴۴۹۷
۱۳۶۵	۹۷/۲	۱۹۶۶	۲۰۴/۸	۴۱۴۲
۱۳۶۶	۷۵/۶	۱۴۹۳	۱۲۴/۸	۲۴۶۳
۱۳۶۷	۶۰/۷	۱۱۶۹	۷۷/۷	۱۴۹۶
۱۳۶۸	۹۸/۶	۱۸۵۴	۱۰۷/۵	۲۰۲۱
۱۳۶۹	۲۶۳/۱	۴۸۲۷	۲۶۳/۱	۴۸۲۷
۱۳۷۰	۳۷۲/۶	۶۶۷۲	۳۰۸/۷	۵۵۲۸
۱۳۷۱	۷۷۷/۵	۱۳۷۲۳	۵۱۸/۰	۹۱۴۲
۱۳۷۲	۱۵۶۲/۲	۲۷۱۷۳	۸۴۷/۲	۱۴۷۳۶
۱۳۷۳	۳۱۲۷/۵	۵۳۶۱۶	۱۲۵۴/۵	۲۱۵۰۷
۱۳۷۴	۴۱۶۱/۰	۷۰۲۹۹	۱۱۱۷/۳	۱۸۸۷۷
۱۳۷۵	۴۷۷۲/۰	۷۹۴۶۷	۱۰۴۰/۱	۱۷۳۲۱
۱۳۷۶	۵۶۳۱/۰	۹۲۴۰۲	۱۰۴۶/۳	۱۷۱۶۲
۱۳۷۷	۵۶۶۳/۲	۹۱۵۷۵	۸۷۷/۲	۱۴۱۸۵
۱۳۷۸	۶۹۲۴/۲	۱۱۰۲۲۸	۸۹۰/۷	۱۴۱۷۹
۱۳۷۹	۷۶۹۴/۱	۱۲۰۴۸۰	۸۷۸/۹	۱۳۷۶۲
۱۳۸۰	۹۱۲۲/۵	۱۴۱۲۵۰	۹۳۵/۴	۱۴۴۸۳

مأخذ: شمارشهای محقق از امار سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان، ۱۳۸۳.

همان گونه که از جدول ملاحظه می شود در سال ۱۳۶۹ دولت برای هر ایرانی مبلغ ۴۸۲۷ ریال یارانه مصرفی پرداخت نموده است. این رقم در سال ۱۳۷۲ به ۲۷۱۷۳ ریال افزایش یافته است اما قدرت خریدی که این مبلغ ایجاد نموده است تنها معادل با ۱۴۷۳۶ ریال بوده است

سرانه یارانه مصرفی پرداختی توسط دولت در سال ۱۳۷۶ معادل ۹۲۴۰۲ ریال بوده است اما تنها قدرت خریدی معادل ۱۷۱۶۲ ریال ایجاد کرده است و در سال ۱۳۸۰ یارانه مصرفی پرداختی از سوی دولت برای هر ایرانی معادل ۱۴۱۲۵۰ ریال بوده است اما تنها قدرت خریدی معادل ۱۴۴۸۳ ریال از بابت آن ایجاد شده است.

این ارقام نشان می دهد که اگر دولت قادر به کنترل سطح عمومی قیمتها نباشد کمکار رفاهی و حمایتی دولت از جمله یارانه ها هنگامی که بطور یکسان و عام بین گروههای درآمدی مختلف توزیع می شود اثرات مثبت چندانی بر سطح رفاه عمومی جامعه نداشته باشد.

یارانه سرانه می تواند نماد مهمی برای نشان دادن ابعاد سیاستهای حمایتی دولت باشد. چون تقاضای کالاهای اساسی با افزایش جمعیت اضافه می گردد در نتیجه یارانه سرانه می تواند به عنوان یک شاخص اقتصادی وضعیت پرداختهای انتقالی دولت به افراد جامعه را مشخص سازد. ارقام بیانگر آن است که میزان یارانه پرداختی توسط دولت در دوره مورد بررسی اضافه شده و بواسطه آن یارانه سرانه نیز از روندی صعودی برخوردار گردیده است اما این موضوع نباید ما را دچار اشتباه کند چرا که با محاسبه یارانه ها به قیمت جاری که از سال ۱۳۶۸ آغاز گردیده و در سال ۱۳۸۰ به اوج خود رسیده است آثاری که پرداخت این یارانه ها به افزایش قدرت خرید افراد جامعه داشته است بسیار اندک می باشد. بنابراین علیرغم این که دولت هر ساله مبالغ قابل توجهی از بودجه عمومی خود را جهت بهبود وضعیت معیشت اقشار مختلف جامعه از جمله اقشار کم درآمد هزینه نموده است اما ارزش واقعی کمکهای دولت بر مصرف افراد جامعه اندک و ناچیز بوده است. بعنوان مثال در سال ۱۳۸۰ برای هر ایرانی معادل ۱۵۳۰۳۳ ریال بصورت یارانه کالاهای اساسی هزینه شده است، حال آنکه این مقدار تنها توانسته است که قدرت خریدی معادل ۱۵۶۹۲ ریال ایجاد کند.

بطور کلی روند تغییرات یارانه های پرداختی توسط دولت، کسری بودجه دولت، نرخ رشد نقدینگی و نرخ تورم حاکی از تاثیر پذیری تورم از تغییرات کسری بودجه دولت و تغییر در پرداختهای جاری دولت می باشد. در طی دوره مورد بررسی کسری بودجه های متوالی و فزاینده دولت و اتکاء به منابع سیستم بانکی جهت تامین هزینه های رو به رشد و فزاینده دولت موجب افزایش خالص بدهیهای بخش دولتی به بانک مرکزی گردیده است و این خود مهمترین عامل موثر در رشد نقدینگی بخش خصوصی از طریق بسط پایه پولی بوده است که بخشی از این کسری بودجه طبیعتاً ناشی از پرداخت یارانه ها توسط دولت بوده است. بدین ترتیب کسری بودجه طبیعتاً ناشی از پرداخت یارانه ها توسط دولت بوده است. بدین ترتیب کسری بودجه ایجاد شده به نظام بانکی منتقل گردیده و منجر به ایجاد پول جدید شده است. به عبارت دیگر این شیوه تامین مالی کسری بودجه دولت با توجه به مستقل نبودن بانک مرکزی از دولت موجبات بسط پایه پولی را فراهم آورده است به طوری که پایه پولی در سال ۱۳۵۰ معادل ۱۰۸/۷ میلیارد ریال بوده که در سال ۱۳۸۰ به ۹۷۱۸۴/۸ میلیارد ریال رسیده است.

به بیان دیگر در فاصله سالهای ۸۰-۱۳۵۰ پایه پولی کشور ۸۹۴ برابر شده است. در طی دوره مزبور کسری بودجه دولت بخشی عمده ای از پایه پولی کشور را تشکیل می داده و این یکی از دلایل مهم افزایش حجم پول در گردش و تشدید تورم در اقتصاد ایران بوده است.

بنظر می رسد با توجه به ساختار اقتصاد ایران تصدی گری گسترده دولت در اقتصاد وجود کسری بودجه مداوم از یک سو و رشد فزاینده متغیرهای پولی به واسطه عدم استقلال بانک مرکزی از دولت اثر گذاری کتغیرهای پولی و مالی تحت کنترل دولت بر سطح عمومی قیمتتها بسیار قابل توجه بوده است.

در اقتصاد ما طی چند دهه گذشته استمرار کسری بودجه دولت که بخشی از آن به خاطر پرداخت یارانه ها بوده و تامین این کسری از طری استقراض از سیستم بانکی موجب گردیده تا بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی افزایش یابد و این امر منجر به بسط پایه پولی و ایجاد فشارهای تورمی در کشور شده است.

### ۳- شیوه تجزیه و تحلیل

به طور کلی بررسی پدیده های اقتصادی و روابط بین آنها از دیدگاه تجربی مبتنی بر تحلیل های آماری است. عمده ترین ابزارها در این نوع تجزیه و تحلیل مدلهای اقتصادی و سری های زمانی مربوط به متغیرهای کلان اقتصادی می باشد. مشخص کردن یک مدل اقتصادی برای تجزیه و تحلیل پدیده های اقتصادی و با ارزیابی و پیش بینی آنها در این میان از اهمیت خاصی برخوردار است و بدین منظور چند نکته اساسی باید مورد توجه قرار گیرد:

- انتخاب متغیرهای مستقل و وابسته و صحیح برای مدل



- تعیین فرم تابعی مدل و این که آیا روش تک معادله ای مناسب است یا یک سیستم معادلاتی -  
انتظاری که در رابطه با علامت و اندازه پارامترها وجود دارد.

همانگونه که در پیشینه مطالعات انجام شده مطرح گردید تاکنون برای بررسی رابطه میان کسری بودجه دولت و تورم مدل های مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است. برخی از آنها متغیر کسری بودجه دولت را مستقیماً وارد مدل نموده و رابطه آن را با تورم مورد بررسی قرار داده اند. برخی نیز بطور غیر مستقیم و با استفاده از سیستم معادلات همزمان موضوع را بررسی نموده اند. در بسیاری از مطالعات اقتصادی لازم است که تجزیه و تحلیل سیستمی از روابط بین متغیرهای اقتصادی به عمل آید. به عبارت دیگر چنانچه در انجام یک بررسی بخواهیم تعدادی از روابط اقتصادی را به طور همزمان مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم می باید از مدل های همزمان استفاده شود. اما در بسیاری موارد نیز از روشهای برآورد تک معادله ای جهت تشخیص و تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرها در مطالعات اقتصادی استفاده می گردد.

اگر چه هر یک از این روشها در مقایسه با دیگری دارای امتیازات و نقاط ضعف خاص خود می باشند اما صرف نظر از این که کدام روش در برآورد رابطه بین متغیرها بکار گرفته شود و تفاوتی که در شیوه تحلیل هر یک وجود دارد، در بسیاری مطالعات انجام شده ارتباط مستقیم کسری بودجه دولت و تورم مورد تایید قرار گرفته است.

#### ۴- تصریح مدل و روش تحقیق

در این مطالعه با هدف بررسی میزان اثرگذاری پرداخت یارانه ها به عنوان بخشی از کسری بودجه دولت بر نرخ تورم از مدل چادری- احمد (۱۹۹۵) استفاده می شود و با انجام تغییراتی که در آن متناسب با شرایط اقتصادی کشور، مدل به صورت تک معادله ای و خطی به صورت زیر تعریف می

$$\ln P_t = \beta_0 + \beta_1 \ln P_{t-1} + \beta_2 \ln S_t + \beta_3 \ln R_t + U_t \quad (1-3)$$

که در آن:

$\ln P_t$  لگاریتم طبیعی شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی در زمان t

$\ln P_{t-1}$  لگاریتم طبیعی شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی در زمان t-1

$\ln S_t$  لگاریتم طبیعی میزان پرداخت یارانه در زمان t

$\ln R_t$  لگاریتم طبیعی نرخ ارز در زمان t

$U_t$  جمله خطا در زمان t

در این مدل همان گونه که ملاحظه می شود نرخ تورم در هر سال تحت تأثیر سه متغیر نرخ تورم مورد انتظار (که بوسیله شاخص قیمت دوره قبل نشان داده می شود)، میزان رشد یارانه ها و میزان رشد نرخ ارز می باشد. این مدل به روش حداقل مربعات جملات خطا و با استفاده از نرم افزار Eviews و با استفاده از سری های زمانی سالانه برای دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۵۲ برآورد شده است.

#### ۵- تخمین مدل

چنانچه در جدول (۴-۱) ملاحظه می گردد تمامی ضرایب مدل از نظر آماری در سطح ۹۰ درصد دارای اهمیت و معنی دار می باشند. در این مدل ضریب متغیر مربوط به یارانه ها نیز معنی دار است و حاکی از آن است که میزان یارانه ها با سطح عمومی قیمت ها در ارتباط می باشد. بدین معنی که یک افزایش یک درصدی در میزان یارانه های پرداختی از سوی دولت منجر به افزایش حدود پنج صدم درصد در شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی شده است. به عبارت دیگر تحت چنین شرایطی یک افزایش ده درصدی در یارانه ها می تواند نرخ تورم را حدود نیم درصد افزایش دهد.

کوچک بودن ضریب مزبور نیز می‌تواند ناشی از پایین بودن سهم یارانه‌های آشکار از کل یارانه‌ها باشد. از سوی دیگر با توجه به روند تغییر داده‌های زمانی مورد استفاده به نظر نمی‌آید که وقوع شرایط خاص چون جنگ تحمیلی اثر تعیین‌کننده‌ای بر این نوع یارانه‌ها داشته است.

مثبت بودن ضرایب مربوط به متغیرهای مدل نشان از وجود رابطه مثبت بین رشد سطح عمومی قیمت‌ها در هر دوره با رشد سطح عمومی قیمت‌ها در دوره گذشته، رشد میزان یارانه‌ها در آن دوره و رشد نرخ ارز در همان دوره دارد. مقایسه ضرایب نشان می‌دهد که متغیر شاخص قیمت در دوره گذشته بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته مدل یعنی شاخص قیمت در دوره جاری داشته است. به عبارت دیگر اثرات روانی و قیمت‌های مورد انتظار نقش بسیار مهمی را در افزایش شاخص قیمت در طی دوره مورد بررسی داشته است.

ضریب تشخیص که چگونگی برآزش خط رگرسیون را نشان می‌دهد نیز حاکی از آن است که خط مزبور بخوبی برآزش‌کننده داده‌ها می‌باشد. ضریب تشخیص حاکی از آن است که ۹۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی شاخص قیمت‌ها توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده می‌شود. علاوه بر این ضریب تشخیص تعدیل شده نیز تقریباً نزدیک به همان ضریب تشخیص اولیه است. به عبارت دیگر می‌توان گفت مقدار خطاها در اطراف خط رگرسیون تا حد امکان کوچک بوده است. جهت آزمون معنی دار بودن کلی رگرسیون آماره  $F$  مورد استفاده قرار گرفته است. این آماره صفر بودن تمامی ضرایب رگرسیون را به طور همزمان مورد آزمون قرار می‌دهد. همانگونه که ملاحظه می‌شود آماره  $F$  تقریباً معادل ۲۷۱۰ است که بسیار بالاتر از مقدار بحرانی آن (بر اساس درجات آزادی مشخص) می‌باشد، لذا می‌توان گفت فرضیه صفر که بر اساس آن ضرایب بطور همزمان صفر هستند رد می‌شود، به عبارت دیگر مجموعه ضرایب در این رگرسیون بطور کلی معنی دار می‌باشد.

بررسی جملات خطا در مدل از طریق آزمون‌های آماری نشان از عدم وجود خود همبستگی در مرتبه‌های مختلف دارد. همچنین یافته‌های آماری بیانگر عدم خود همبستگی در بین جملات خطا می‌باشد و می‌توان گفت تخمین زنده‌ها در مدل مذکور از کارایی لازم برخوردار هستند.

از سوی دیگر مدل کاملاً با مبانی نظری موضوع مورد بررسی مطابقت دارد، علامت کلیه پارامترهای برآورد شده نیز درست و هماهنگ با مدل است، به عبارت دیگر معادله برآورد شده نشان می‌دهد که تورم مورد انتظار (که با استفاده از تغییرات شاخص قیمت یک دوره قبل نشان داده شده است)، رشد یارانه‌ها و همچنین رشد نرخ ارز همگی اثر مثبت بر نرخ تورم در هر دوره دارند.

توجه به علامت ضریب برآورد شده برای متغیر میزان یارانه پرداختی از سوی دولت نشان می‌دهد که فرضیه اصلی این مطالعه مبنی بر این که افزایش یارانه‌ها و بدنبال آن افزایش کسری بودجه ناشی از این امر باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌گردد تأیید می‌شود.

نتایج برآورد الگو (۳-۱) به روش حداقل مربعات جملات خطا

منبع: یافته‌های تحقیق، نرم افزار Eviews

متغیرهای مستقل	ضرایب متغیرهای	برآورد ضرائب	انحراف معیار	آماره t	Prob
constant	$\beta_0$	-۰/۲۵	۰/۱۸۲۲۴۵۰	-۱/۳۸	۰/۱۷۶۹
$LnP_{t-1}$	$\beta_1$	۰/۸۱	۰/۸۷۰۴۷	۹/۳۱	۰/۰۰۰۰
$LnS_t$	$\beta_2$	۰/۰۵	۰/۰۲۹۲۱۱	۱/۸۵	۰/۰۷۶۱
$LnR_t$	$\beta_3$	۰/۱۳	۰/۰۶۲۹۰۵	۲/۱۰	۰/۰۴۵۹
ضریب تعیین: ۰/۹۹۶۹			آماره F: ۲۷۱۰/۵۲۷ مقدار احتمال: ۰/۰۰۰		

#### ۶- جمع بندی نتایج و پیشنهادات

موضوع رابطه کسری بودجه دولت و تورم از مهمترین مسائل پیش روی غالب کشورهای در حال توسعه در طی چند دهه گذشته بوده است. در کشور ما نیز در طی این سالها به دلیل افزایش قابل توجه جمعیت، افزایش تقاضا برای کالاهای عمومی چون آموزش، بهداشت و ... و همچنین به دلیل اعمال سیاست های مالی غیر اصولی از سوی دولت، هزینه های بخش عمومی به گونه ای فزاینده افزایش یافته است و این افزایش هزینه های دولت عمده تاً معلول ساختار ناسالم اقتصادی کشور ما بوده است. به عبارت دیگر کسری بودجه دولت در کشور ما با مبانی نظری سیاست کسری بودجه که در مکاتب مختلف اقتصادی مطرح شده است همخوانی و هماهنگی ندارد.

در کشور ما از سال های دهه ۱۳۴۰ تا به امروز همواره بودجه دولت با کسری مواجه بوده است. در عین حال از دهه ۱۳۵۰ نیز دولت اقدام به پرداخت یارانه برای کالاهای اساسی نموده است که این خود موجب افزایش میزان کسری بودجه دولت و یا به تعبیری موجب کاهش مازاد بودجه دولت گردیده است. به عبارت دیگر پرداخت یارانه ها نوعی هزینه فرصت به اقتصاد تحمیل کرده است.

در تحلیل های نظری این مطالعه فرایند ایجاد و تداوم کسری بودجه ناشی از پرداخت یارانه ها، شیوه تامین مالی کسری مزبور و اثر آن بر نرخ تورم مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج این بررسی ها نشان دهنده آن است که افزایش مخارج دولت که یارانه ها بخشی از آن است همراه با ساختار نامناسب درآمدی دولت از عمده ترین دلایل ادامه کسری بودجه دولت در کشور ما می باشد.

در قسمت نتایج تجربی، مدلی برآورد گردید که مبتنی بر وجود ارتباط بین پرداخت یارانه ها و کسری بودجه ناشی از آن با سطح عمومی قیمت ها می باشد. نتایج حاصل از این تخمین نیز وجود رابطه مثبت را بین میزان یارانه پرداختی از سوی دولت یا به تعبیر دیگر کسری بودجه دولت ناشی از پرداخت یارانه ها را با سطح عمومی قیمت ها و نرخ تورم مورد تایید قرار می دهد و برآوردهای انجام شده حاکی از آن است که در کشور ما پرداخت یارانه ها تأثیر معنی داری بر سطح عمومی قیمت ها دارد.

پرداخت یارانه ها از سوی دولت به شیوه ای که در حال حاضر انجام می گیرد و افزایش آنها در آینده به گونه ای که موجبات افزایش کسری بودجه دولت را فراهم آورد و تامین این کسری از طریق استقراض از بانک مرکزی تأثیرات منفی بر قدرت خرید افراد جامعه خواهد داشت، به عبارت دیگر افزایش یارانه ها که با هدف افزودن بر درآمد واقعی و قدرت

خرید افراد جامعه انجام می‌گیرد اگر موجب افزایش کسری بودجه دولت گردد (که عمدتاً این چنین بوده است) و تامین مالی این کسری از طریق سیستم بانکی (آن گونه که در دوره مورد مطالعه انجام شده است) خود باعث افزایش سطح عمومی قیمت ها و افزایش نرخ تورم خواهد شد و بخشی از قدرت خرید ایجاد شده بواسطه پرداخت یارانه ها عملاً بدین طریق خنثی می‌گردد. در این راستا با هدف کنترل تورم و به منظور جلوگیری از افزایش کسری بودجه دولت ناشی از پرداخت یارانه ها سیاست‌گذاری های کلان اقتصادی می‌باید مورد بازنگری قرار گیرد.

یافته های این مطالعه نشان می‌دهد که افزایش یارانه ها از طریق اعمال سیاست کسری بودجه و تامین آن از طریق استقراض از سیستم بانکی در ایجاد فشارهای تورمی نقش داشته است، بنابراین کاهش هزینه های دولت بویژه هزینه های جاری و هدفمند کردن شیوه پرداخت یارانه در کشور می‌تواند در کاهش میزان کسری بودجه دولت موثر باشد.

از سوی دیگر شیوه تامین مالی کسری بودجه دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی بر قدرت خرید افراد جامعه ناشی از دریافت یارانه ها اثر منفی دارد و بخشی از این قدرت خرید از طریق افزایش قیمت‌ها خنثی می‌گردد. لذا لازم است شیوه تامین مالی کسری بودجه دولت مورد بازنگری و تجدید نظر قرار گیرد و روشهایی که پیامدهای تورمی کمتری دارند مورد استفاده قرار گیرد.

نتایج بررسی ها حاکی از آن است که افزایش و رشد کسری بودجه ناشی از پرداخت یارانه ها بطور مستقیم بر سطح عمومی قیمت‌ها تأثیر دارد و بنابراین بایستی در حوزه سیاست‌گذاری‌های حمایتی از ابزارهای مالی به گونه ای سنجیده تر استفاده شود تا تبعات تورمی آنها کاهش یابد.

بحث بازنگری در نظام پرداخت یارانه ها و هدفمندسازی آنها، لزوم اصلاح شیوه پرداخت آنها و حذف گروههایی که به واقع مستحق دریافت یارانه نیستند از جمله نتایجی است که این مطالعه به آن دست یافته است.

## منابع

اسلامی، سیف الله (۱۳۸۲)، چگونگی بهبود توزیع یارانه پرداختی کشور در راستای حمایت از اقشار آسیب پذیر، معاونت اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۰-۱۳۵۰)، گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره حسابهای اقتصادی.

بیدآباد، بیژن، (۱۳۷۷)، پیامدهای تامین مالی کسری بودجه از طریق انتشار پول جدید، مجله تازه های اقتصاد شماره ۷۳. پژوهش‌ها، جمشید (۱۳۷۳)، اقتصاد بخش عمومی موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.

تقی پور، انوشیروان، (۱۳۷۹)، بررسی ارتباط کسری بودجه دولت، رشد پول و تورم در ایران بروش معادلات همزمان، مجله برنامه و بودجه شماره ۶ و ۵۶.

جعفری صمیمی، احمد (۱۳۷۱)، بررسی رابطه تورم و کسری بودجه دولت در ایران، مجله اقتصاد و مدیریت شماره ۱۳. حافظی، بهار (۱۳۸۵)، بررسی عوامل موثر پولی و غیر پولی بر تورم ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان دورنبوش، رودریگر و فیشر، استانلی (۱۳۷۱)، اقتصاد کلان، ترجمه محمدحسین تیزهوش تابان، انتشارات سروش.

رحیمی، عباس و کلانتری، عباس (۱۳۷۵)، بررسی اقتصادی یارانه، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، وزارت بازرگانی. سازمان مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۸۰)، نظام هدفمند یارانه ها، معاونت امور اجتماعی.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۸۰)، مجموعه آماری سری زمانی آمارهای اقتصادی و اجتماعی، معاونت امور اقتصادی. عسلی، مهدی (۱۳۸۳)، تأثیر افزایش مخارج جاری دولت بر رشد اقتصادی کشور در یک مدل اقتصادی ساده، مجله برنامه و بودجه، شماره ۸۵.

علوی راد، عباس (۱۳۸۵)، بررسی کسری بودجه و فرایند تورمی در ایران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره نهم و دهم.

فرهنگ، منوچهر (۱۳۶۳)، فرهنگ علوم اقتصادی، چاپ چهارم، انتشارات آزاده.

مجتهد، احمد، حسن زاده، علی (۱۳۸۰)، پول و بانکداری، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

معروف خانی، علی (۱۳۷۷)، بررسی ارتباط کسری بودجه دولت و تورم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.  
 نسیمی پور، آذر، فیروز (۱۳۶۹)، بررسی انواع سوبسیدها و جنبه های مختلف اقتصادی آنها، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، وزارت بازرگانی.

### منابع لاتین

Aghvel.Band Khan.M(1978),Government Deficites and the Inflationary proces in eveloping Countries,IMF Staff papers,Vol 25,pp,383-416

Chaudhary.M and parai.A(1991) Budget deficit and Inflation the Peruvian experience,Applied Economics ,Vol23,pp.1117-1121

Chaudhary:M and Ahmad.N(1995) Money Supply,Deficit and Inflation in Pakistan.The Pakistan Development review,34,pp.945- 956.

### پیوست

Dependent Variable: LNP				
Method: Least Squares				
Date: 05/25/08 Time: 02:47				
Sample(adjusted): 1352 1380				
Included observations: 29 after adjusting endpoints				
Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	-0.253508	0.182450	-1.389464	0.1769
LNP(-1)	0.810766	0.087047	9.314145	0.0000
LNS	0.054059	0.029211	1.850626	0.0761
LNR	0.132165	0.062905	2.101046	0.0459
R-squared	0.996935	Mean dependent var	3.841085	
Adjusted R-squared	0.996567	S.D. dependent var	1.585004	
S.E. of regression	0.092866	Akaike info criterion	-1.787882	
Sum squared resid	0.215601	Schwarz criterion	-1.599290	
Log likelihood	29.92430	F-statistic	2710.527	
Durbin-Watson stat	2.155440	Prob(F-statistic)	0.000000	